

گفت‌وگوی اختصاصی با «کیومرث نیاز آذری»، رئیس اسبق دانشگاه آزاد مازندران و متهم پرونده موسوم به «طبری»

# یک‌سال پیش منع تعقیب گرفتیم؛ به صبر پناه برده بودم



● کیمیا، امین مهدوی



● ستاره جاوید

قاطعانه، سه مرتبه تأکید می‌کند: «من هیچ دخالتی در کار اقتصادی فرزندم نداشتم، نداشتم، نداشتم». این جمله را کیومرث نیاز آذری، استاد و رئیس اسبق دانشگاه مازندران در مصاحبه با خبرنگار «شرق» می‌گوید. در منزلش در ساری میزبان ما می‌شود و از سهمگینی سکوتی می‌گوید که چه در زمان طرح اتهامات و چه پس از گرفتن منع تعقیب، انتخاب کرده و به صبر و سکوت پناه برده است. نام کیومرث نیاز آذری و فرزندش مصطفی، نخستین بار در پرونده پرحاشیه موسوم به پرونده طبری، بر سر زبان‌ها افتاد و در افکار عمومی مطرح شد. پرونده‌ای که در سال ۱۳۹۹ درست در آغازین ماه‌های پاندمی کووید۱۹، با نام طبری گره خورد و خبرساز شد و بازتاب‌های متفاوتی در داخل و خارج ایجاد کرد. پس از گزارش‌های صداوسیما درباره متهمان ردیف‌های اول تا پنجم و طرح اتهاماتی علیه وی، نیاز آذری، با پناه بردن به سکوتی پر از رنجش، روشن شدن ابعاد پرونده را به دست زمان سپرد و با ارائه مستندات، توانست در باب عدم ورود به فعالیت‌های کلان اقتصادی و اتهامات مطرحه از قبیل قاچاق دو تن و ۴۰۴ کیلوگرم طلا و دایرکردن شرکت‌های تجاری در تهران و دومی منع تعقیب بگیرد. او به اتهام قاچاق طلا تحت تعقیب قرار گرفت، اما بعد از بررسی‌های قضائی، روشن شد هیچ‌وقت سهامدار یا مدیرعامل در هیچ شرکت داخلی یا خارجی مرتبط با پرونده، نبوده و فعالیت تجاری نداشته است. خود او می‌گوید هیچ اطلاعاتی درباره فعالیت اقتصادی فرزندش نداشته و در رسیدگی‌های قضائی و در حکم منع تعقیبش هم که در اختیار خبرنگار «شرق» قرار گرفته، به وضوح تصریح شده که کیومرث نیاز آذری هیچ‌گونه شراکت یا مرادده مالی و اقتصادی با فرزند خود-مصطفی نیاز آذری، فعال اقتصادی و متهم ردیف پنجم پرونده طبری- نداشته است. با استناد به بررسی‌های موشکافانه و محرمانه دادستانی تهران و نظریه کارشناس کمرک منتخب و مورد وثوق دادستانی تهران -که آن هم در اختیار خبرنگار «شرق» قرار گرفته- تمام طلاهای وارداتی با اظهار قانونی و با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و از مرز مجاز وارد کشور و سپس ترخیص شده و تخلفی در فرایند واردات طلا پیش نیامده است. دو سال و اندی طول کشید تا این مسئله به منع تعقیب برسد. نیاز آذری می‌گوید: «در پرونده ما، دو فرد با هدف کاملا شخصی و ارائه اطلاعات اشتباه، مقامات را به شک و تردید انداختند و با تهمت و افترا، نه سبب دل‌شادی دشمنان ما، بلکه سبب دل‌شادی دشمنان ایران شدند. به باور من، در این فقره به قوه قضائیه بیش از ما ظلم شد و هزینه سنگینی هم به سیستم قضائی میهن تحمیل شده». نیاز آذری دکترای مدیریت آموزشی دارد و از سال ۱۳۸۵ تا نیمه اول سال ۱۳۹۹ رئیس دانشگاه آزاد مازندران بوده است. مشروح گفت‌وگوی «شرق» با نیاز آذری را می‌خوانید.

● حرف‌ها و حدیث‌های بسیاری درباره قاچاق دو تن و ۴۰۴ کیلوگرم شمش طلا توسط شما در رسانه‌ها مطرح شد؛ حقیقت پشت پرده اتهام این میزان قاچاق شمش طلا چه بود؟

منظور از قاچاق فقط شامل خروج غیرقانونی کالا از کشور نمی‌شود، بلکه ورود غیرقانونی هر کالایی به داخل کشور هم بدون پرداخت عوارض گمرکی، قاچاق محسوب می‌شود. در مورد داستان ما طوری در رسانه‌ها درباره اتهام قاچاق طلا صحبت کردند که این شائبه در مردم به وجود آمد که رئیس سابق دانشگاه آزاد مازندران بخشخصه در خودرو ترانزیت برای در مرزهای غربی کشور مستقر شده و در حال خروج دو تن و ۴۰۴ کیلو طلا از کشور بوده که بازداشت شده است. ببینید اینکه اطلاعات اشتباه به افکار عمومی ارائه دادند و به آبروی ما لطمه بسیاری زدند، بحث من نیست. حقیقت این است که درخصوص این اتهام منظور از قاچاق طلا، واردات غیرقانونی طلا به داخل کشور است نه خروج آن. باید بگویم این اتهام هم معطوف به فعالیت اقتصادی فرزندم بوده و درباره این اتهام، نه‌تنها حتی یک گرم طلا از کشور خارج نشده، بلکه دو تن و ۴۰۴ کیلوگرم طلا از مرز مجاز کشور وارد ایران و پس از پرداخت عوارض گمرکی و مالیات، ترخیص شده و نه‌تنها هیچ تخلفی در این باب صورت نگرفته، بلکه در دوره‌ای که اوج احتیاج کشور به واردات طلا بود، نیاز روز کشور مرتفع شده است. در گزارش کارشناسی هم که در اختیار دارید به روشنی قید شده و کارشناس مورد وثوق شخص دادستانی تهران، به پرونده ورود کرده و مستندات و اسناد ما را بررسی موشکافانه کرده است.

● پس منظور حفاظت قوه قضائیه که شاکی پرونده شما بود، از قاچاق طلا دقیقا چه بوده است؟

از روز نخست بحث ضابطان قضائی بر موضوع قاچاق طلا به داخل کشور استوار بود. در همه جای دنیا واردات طلا -به هر شکلی- به اقتصاد کشور کمک کرده و پشتوانه ارزی و اقتصادی ایجاد می‌کند. بحث ضابطان قضائی پرونده این بود که طلا به داخل کشور قاچاق شده و چهار درصد هزینه‌های حقوقی و گمرکی ترخیص واردکننده طلا پرداخت نشده است. ببینید نفس واردات طلا، به فرض محال حتی به صورت قاچاق، خدمت به اقتصاد کشور است. ضرر زمانی است که واردکننده طلا، حقوق و عوارض گمرکی را پرداخت نکند. بحث ضابطان این بود که آن چهار درصد که متعلق به انتفاع عمومی و به اصطلاح بیت‌الامال است پرداخت نشده و طلا به داخل کشور قاچاق شده است! به باور شخص من، اگر کسی جسارت داشته باشد و بتواند طلا به داخل کشور وارد کند و چهار درصد عوارض گمرکی بار را هم بپردازد، به اقتصاد کشورش کمک کرده و اگر چهار درصد را پرداخت نکند و قاچاق کند چهار درصد سود نامشروع کسب کرده است. طبق بررسی‌های کارشناس گمرک که دادستانی تهران روی پرونده گمارد و طبق مستندات موجود در گمرک فرودگاه امام خمینی، ریاال به ریاال عوارض گمرکی طلای وارداتی پرداخت و پس از پرداخت تمام حقوق و مالیات و عوارض حقوقی و گمرکی، وارد رده‌های مرز مجاز کشور ترخیص شده است. متأسفانه همان‌طور که دیدید رسانه‌های طبری القا کردند که ما دو تن و ۴۰۴ کیلو طلا از کشور خارج کردیم. حتی حرفه‌ای‌ترین تجار و قاچاقچیان هم توان حمل دو تن طلا آن هم به صورت قاچاق را ندارند. اصلا توان پذیرش چنین ریسکی را ندارند. این امر و تأمین امنیت بار حتی از دولت‌ها هم ساخته نیست پس چطور می‌توان این دعوی را که از اساس غیرمنطقی است و شدنی نیست، پیش از هرگونه راستی‌آزمایی و بررسی مستندات قانونی، در افکار عمومی مطرح کرد و علاوه بر تشویش افکار عمومی و بدبین‌کردن مردم به عملکرد مدیران کشور، سبب سوءاستفاده رسانه‌ها شد و خوراک خبری کذب برای رسانه‌ها فراهم کرد! در این مورد حقیقتا به ما ظلم شد و گذشت زمان، حقیقت را برملا کرد.

● شما می‌توانستید پیگیری حقوقی کنید. این حق برای شما محفوظ است. ما دنبال این نیستیم. انتشار گزارش تلویزیونی در سطح وسیع پیش از اثبات اتهام و خدشه واردکردن به آبروی افراد، چیزی نیست که بتوان با یک عذرخواهی یا اصلاحیه ترمیم کرد. در این باب خیلی به ما ظلم شد. خیلی اذیت شدید اما سکوت کردیم.

● شایعاتی در فضای مجازی و اطلاعات متناقضی هم از همان زمان مطرح‌شدن پرونده از دو سال پیش، توسط صداوسیما و خبرگزاری‌ها مبنی بر حمایت شما از فرزندان در مسئله واردات طلا و ارز و ورودتان به مسائل اقتصاد کلان بخش شد. با تیره‌ای که اکنون در دست دارید، ارزیابی خودتان از این اتفاقات چیست؟ چرا این کار را کردند؟

آبان ۱۳۹۹ بود. بعد از کلاس درس، در مسیر منزل دخترم بودم که در جریان ماجرا قرار گرفتیم. اصلا یک‌هزارم درصد هم احتمال نمی‌دادم روزی به این بهانه یا با این مستمسک سراغ من بیایند. اصلا فکر نمی‌کردم. ببینید فرزند من درست از زمانی که به سن قانونی رسیدند فعالیت مستقل اقتصادی را شروع کردند و در کار اقتصادی خودشان فعالیت می‌کردند. اکنون بالغ بر ۲۴ سال است که فعالیت تجاری مستقل دارند. من نه هیچ خبری از کار ایشان داشتم و نه هیچ دخالتی در کارشان می‌کردم. به اعتقاد من، همه آقایان هم به واقع خوب می‌دانستند که من هیچ خبری از فعالیت پسرم ندارم و هیچ ارتباط اقتصادی کشور با او نداشتم. گویا دنبال بهانه می‌گشتند. اعتقاد این است که نیت شخصی داشتند و به بازپرس اطلاعات غلط دادند. بازپرس پرونده هم همراه آقایان به مازندران آمدند. همان روز نخست که بازپرس به ساری آمدند و با هم صحبت کردیم، ایشان هم در خصوص اتهاماتی که وارد شده بود، متعجب بودند. در پاسخ به سؤالاتی که می‌پرسیدند و مواردی که مطرح می‌کردند به ضرس قاطع گفتم موارد مطرحه هیچ سندیتی ندارد و کذب محض است. ولی متأسفانه عده بسیار معدودی دست به این کار زدند و باعث خوشحالی دشمنان من که نه، ولی باعث خوشحالی دشمنان ایران شدند. انعکاس خبر را هم که دیدید! هم در خارج از ایران و هم در داخل ایران خیلی با آب‌وتاب به قضیه پرداختند. با اقدام نادرست آقایان، دو شائبه در رسانه‌ها ایجاد شد؛ خارج از کشور از این زاویه به موضوع پرداختند که مدیرانی که داخل کشور هستند، سالم نیستند. در داخل هم، آنهایی که به هر دلیل ذی‌نفع بودند قضیه را دامن زدند و حواشی غیرواقعی را بزرگ کردند.

● در آن شرایط چه کردید؟

ما به‌جز کارهای حقوقی و قضائی، کار دیگری نکردیم. در حقیقت کار دیگری نمی‌توانستیم کنیم جز اینکه خودمان رقییم و مستندات خود را ارائه کردیم. بیش از یک سال است که این حکم صادر شده و یک سال از قطعیت حکم گذشته اما تازه امروز داریم درباره آن صحبت می‌کنیم.

● چرا بعد از تیره، خبر را اعلام نکردید؟

ما نمی‌خواستیم تیره را خبری کنیم. نمی‌خواستیم مثل کسانی باشیم که عجله داشتند علیه ما اقدام کنند و خواه‌ناخواه باعث آبروریزی ما شدند و اعتبار ما را خدشه‌دار کردند. ما واقعا نمی‌خواستیم مثل آنها باشیم و با عجله حکم تیره را در بوق و کرنا کنیم. ما چه زمان افتراها و چه بعد از تیره، سکوت کردیم. شاید باورتان نشود همه افرادی که ما را می‌شناختند و ۹۰ درصد افرادی که با من تماس می‌گرفتند، می‌گفتند ما اصلا این اتهامات را باور نکردیم و باور نخواهیم کرد. حتی قبل از اینکه حکم برات صادر شود این را گفتند. گفتند خوب می‌دانستیم آقایانی که علیه شما اقدام کردند اشتباه اقدام کردند و نتیجه چیزی شد که در دست شماست.

● در گزارش‌ها و اخبار از شرکت‌های شما در دومی صحبت می‌شد. این اتهامات به چه سرانجامی رسید؟

همه مواردی که ادعا کردند هم بررسی شد و اصلا پرونده به دادگاه نرفت. برای همه اتهامات مطرحه در همان مرحله بازپرسی، منع تعقیب صادر شد. نکته مهم اینکه درخصوص این اتهامات واهی، منع تعقیب صادر شد نه تیره. تیره برای زمانی است که پرونده به دادگاه برود در حالی که برای همه موارد مطرحه در همان مرحله بازپرسی، در شعبه پانزدهم بازپرسی دادرسی جرائم اقتصادی، منع تعقیب صادر شد و بازپرس شخصا به این علم رسیدند.

● به این علم که اتهامات مطرحه بی‌اساس است؟

توجه داشته باشید که در این قبیل پرونده‌ها بازپرس به تنهایی نظر نمی‌دهد بلکه طبق روال قضائی در کشور ما، بعد از صدور رأی در بازپرسی، دادستان باید قرار

توجه داشته باشید در این قبیل پرونده‌ها بازپرس به تنهایی نظر نمی‌دهد، بلکه طبق روال قضائی در کشور ما، بعد از صدور رأی در بازپرسی، دادستان باید قرار بازپرسی را تأیید کند تا قطعیت یابد. در این مورد، همین اتفاق افتاد و با تأیید دادستان تهران، رأی بازپرسی مبنی بر منع تعقیب قطعی شد. در پرونده ما دادستان تهران بر نظر بازپرس صحه گذاشته است. اصلا من هیچ شرکتی در ایران و دومی نداشته و ندارم. از روز نخست هم این واقعیت را به بازجویان گفتم

بازپرسی را تأیید کند تا قطعیت یابد. در این مورد، همین اتفاق افتاد و با تأیید دادستان تهران، رأی بازپرسی مبنی بر منع تعقیب قطعی شد. در پرونده ما دادستان تهران بر نظر بازپرس صحه گذاشته است. اصلا من هیچ شرکتی در ایران و دومی نداشته و ندارم. از روز نخست هم این واقعیت را به بازجویان گفتم.

● اصلا فعالیت اقتصادی نداشتید؟

اصلا کار اقتصادی نکردم. کار اقتصادی به این معنی که کالایی وارد یا صادر و در امر خرید و فروش فعالیت می‌کنند، کد اقتصادی و دفتر و دستک دارند. خیر. اصلا چنین فعالیتی نداشتم. در ۲۰ سال اخیر فقط تدریس می‌کردم. از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ به صورت پاره‌وقت و از ۱۳۸۵ تا نیمه اول ۱۳۹۹ به صورت تمام‌وقت.

● کجا تدریس می‌کردید؟

دانشگاه آزاد واحد ساری درس می‌دادم.

● چه رشته‌ای؟

رشته من مدیریت آموزشی است و دکترای مدیریت آموزشی هستم. تا نیمه اول سال ۱۳۹۹ فقط در مقطع دکترا در ساری و گرگان تدریس می‌کردم.

● بعد از جریان طبری، ممنوع‌الکار شدید؟

ممنوع‌الکار نشدم.

● منظورم این است که از ادامه فعالیت در مشاغل دولتی منع شدید؟

خیر، ممنعت هم نکردند. بعد از این اتفاقات، خودم دیگر دنبال تدریس نرفتم. در حال حاضر استاد راهنمای پایان‌نامه‌های دانشگاه هستم. پایان‌نامه‌هایی که از قبل داشتم را هم همچنان دارم و استاد راهنمای دانشجویان مقطع دکتری در رشته مدیریت آموزشی هستم. اگر بگویم ممنعت رسمی، واقعا خیر ولی جو به‌وجودآمده در خانه نشینی‌ام بی‌تأثیر نبود دیگر.

● خودخواسته تصمیم گرفتید از آن فضا فاصله بگیرید؟

بله. دقیقا. هم از آن فضای غبارآلود فاصله گرفتم و هم خواستم صبر کنم تا ابعاد مسئله برای آقایان هم روشن بشود.

● واکنش دانشجویان تان، چه آن موقع که اتهامات مطرح شد و چه اکنون که تیره گرفتید، چه بود؟

در گذشته‌چون‌ت تیره را نمی‌دانند. شما نخستین کسی هستید که مطلع می‌شوید. نخستین بار است که تیره من رسانه‌ای می‌شود. بیش از یک سال است تیره آمده. از آذرماه سال گذشته که تیره گرفتم تا آذرماه امسال، به‌جز افراد بسیار معدودی، با کسی در این‌باره صحبت نکردم. افراد خیلی خاصی می‌دانستند. وقتی به این افراد درباره تیره می‌گفتم، می‌گفتند مگر چیزی شده بود که ما منتظر تیره شما باشیم! ما خودمان می‌دانستیم تمام موارد بی‌مبنا و بی‌جهت است و اقدام اینها اشتباه بوده است.

● چرا رسانه‌ای نکردید؟

همیشه سعی کردم بی‌حاشیه زندگی کنم. در این مدت حرف همه کسانی را که تعبیر و تحلیل منفی داشتند، شنیدم و تحمل کردم. معروف است که خدایا به من صبر بده تا بتوانم تمام عقاید مخالف را بشنوم. البته اینها عقاید مخالف نبود بلکه نیت‌های فردی بود و ما همه را تحمل کردیم. ان‌شاءالله خداوند عوض آن را به ما بدهد.

● آقای نیاز آذری در گزارش‌های رسانه‌ای از مسئولیت دولتی شما در سال‌های

خیلی دور، خیلی صحبت شد دقیقا از چه تاریخی تخصصی به تدریس روی آوردید؟ به دلیل علاقه ذاتی به امور آموزشی از سال ۱۳۷۸ به صورت نیمه‌وقت و حق‌التدریسی در دانشگاه ساری دعوت به کار شدم. سی‌ام آذر ۱۳۸۵ رئیس دانشگاه آزاد واحد ساری شدم و از سال ۱۳۹۰ رئیس دانشگاه ساری و استان مازندران شدم و تا مرداد سال ۱۳۹۷ در این سمت، خدمت کردم. مرداد آن سال مسئولیت را به فرد دیگری دادم و تدریس را شروع کردم که تا نیمه اول سال ۱۳۹۹ ادامه داشت.

● پس از سال ۱۳۸۵ فقط در دانشگاه مشغول شدید؟ یا در زمره مدیران دوشغله فعالیت می‌کردید؟

خیر. دوشغله نبودم. آن سال به دانشگاه ساری رفتم و تمام‌وقت در دانشگاه فعالیت می‌کردم.

● بعد از اینکه تیره شدید و مشخص شد موارد مطرحه تهمت و افترا بوده، کسی پوزش خواهی نکرد؟

خیر. هیچ‌کس چیزی نگفت.

● گویا ارتباط شما با مسئولین اسبق قضائی در این پرونده هم بی‌تأثیر نبوده نظر تان چیست؟

من اصلا چنین برداشتی نکردم و اصلا در این بازی‌ها نبودم. حتی یک درصد هم این احتمال را نمی‌دهم. این نکته مهم را یادآور بشوم که قوه قضائیه به معنای قوه قضائیه، هیچ قصوری در حق ما نکرده و تقصیری ندارد. در این زمینه حتی به قوه هم ظلم شد. در پرونده ما، دو فرد بودند که شیطنت کردند. جوان و بی‌تجربه بودند. جوانی کردند دیگر. دوست داشتند دیده شوند.

● در جریان تیره شما قرار گرفتند؟

بله. اصلا مصراانه پیگیر پرونده بودند و بیشتر از خود ما درباره سرانجام آن پرس‌وجو می‌کردند.

● بعد از اینکه تیره شدید بابت مسائلی که برای شما به وجود آوردند عذرخواهی نکردند؟

خیر. آشنایی قبلی وجود نداشت.

● چه هدفی را دنبال می‌کردند؟ با انتشار این تهمت‌ها و شایعات چه می‌خواستند؟

جوان هستند و احساسی به قضایا نگاه می‌کنند. همان زمان هم به این افراد که برای بازجویی به ساری آمده بودند، عرض کردم اشتباه می‌کنید.

● از آشنایان قبلی بودند؟ به بیان دیگر از همشهریان تان بودند؟ شما را می‌شناختند؟ یا شما تان را می‌شناختید؟

خیر. آشنایی قبلی وجود نداشت.

● چرا شاکی شما حفاظت قوه قضائیه اعلام شد؟

این دو فرد در حفاظت قوه فعال بودند و شاکی پرونده ما بودند. در نتیجه حفاظت قوه به عنوان شاکی پرونده ما عنوان شد.

● شما را متناسب کرده بودند به حمایت از فرزندان تان و مشارکت در قاچاق دو تن و ۴۰۴ کیلوطلا. اکنون که تیره شدید درباره موضوع صحبت می‌کنیم. علت این انتسابات چه بود؟

من هیچ‌گونه دخالتی در کار اقتصادی و تجاری فرزندم نداشتم، نداشتم، نداشتم. من هیچ‌وقت در امور فرزندانم ورود نکردم. ببینید شما هرچه شیطنت کنید هرگز نمی‌توانید حقیقت را حبس کنید و مخفی نگه دارید. حقیقت حتما خود را بیرون می‌زند. به قول قدیمی‌ترها تیغ برای همیشه زیر پوست نمی‌ماند. با حبس کردن حقیقت نمی‌توانید کاری پیش ببرید. آن را که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است. خیر. آشنایی قبلی وجود نداشت.

● پرونده فرزندان در حال حاضر در چه مرحله‌ای است؟

در مرحله بازپرسی است و تحقیقات قضائی انجام شده است.

● چشم‌انداز آینده را چطور می‌بینید؟ برنامه‌های خودتان چیست؟ تصمیم دارید فعالیت خود را در چه زمینه‌ای ادامه دهید؟

در حال حاضر در دانشگاه ساری فقط پایان‌نامه دارم. کارم هم در دانشگاه فقط در حوزه پژوهشی است. اینکه مسیر کاری به کدام جهت پیش برود باید در وقت مناسب خود تصمیم بگیرم و هنوز تصمیمی در این‌باره اتخاذ نکرده‌ام.